

روح القدس و کار او

درس ۱۱: عادل شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان

دکتر آر. سی. اسپرول

وقتی به آموزه‌ی برگزیدگی نگاه کردیم، به یاد می‌آید که گفتیم لوتر این آموزه رو "کورا کلیسیا" یا "قلب کلیسا" نامید. ولی لوتر خیلی به خاطر آموزه‌ی برگزیدگی معروف نیست، بلکه با آموزه‌ی عادل شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان موافقه، چون این آموزه عمیق‌ترین مباحثه رو در تاریخ مسیحیت ایجاد کرد؛ این مباحثه، اصلاحات پروتستان رو در قرن ۱۶ تهییج کرد و شعار معروفی که از اون بیرون اومد، "سولا فیده" بود.

یعنی عادل شمردگی فقط از راه ایمانه. تاریخ‌دان‌ها به اون مراجعه می‌کنند، همون‌طور که قبلاً گفتیم، وقتی به آموزه‌ی کتاب مقدس نگاه کردیم، اون‌ها علت رسمی نهضت اصلاحات رو مناظره و مشکل مربوط به اقتدار نهایی در آموزه‌ی کلیسا و علت مادی نهضت اصلاحات می‌دونند، یعنی موضوعی که مرکز تمرکز مباحثات بود، آموزه‌ی عادل شمردگی بود.

همون‌طور که گفتیم، لوتر گفت آموزه‌ی عادل شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمان، اصلی هست که کلیسا یا بر اساس اون می‌ایسته یا سقوط می‌کنه. کلونین به ضرورت بررسی این موضوع موافق بود و گفت آموزه‌ی عادل شمردگی محوری هست که همه چیز بر اساس اون می‌چرخه.

حالا، دلیل این که چرا لوتر، مثلاً مسائل الهیاتی دیگه رو در مقایسه با این کم اهمیت شمرد، این بود که این جا چیزی کمتر از خود انجیل در خطر نبود، چون آموزه‌ی عادل شمردگی به این سؤال جواب میده که ما یادمونه که زندانبان فیلیپی از پولس رسول پرسید: "چه کنم تا نجات یابم؟"

پس این جا مباحثه‌ی ما در مورد این نیست که آیا مردم رو برای تعمید در آب فرو کنیم، روی اون‌ها آب بپاشیم یا در آب غوطه ور کنیم، بحث در مورد موضوع پیچیده‌ی برگزیدگی و رد شدن افراد پیش از خلقت، و این جور مسائل نیست، بلکه به خود سؤال نجات رسیدگی می‌کنیم و سؤالی بزرگتر از این نیست، و معلومه که سؤالی مهمتر از این برای یک مسیحی نیست که باهانش در کشمکش باشه. آموزه‌ی عادل شمردگی به جدی‌ترین فلاکت ما به عنوان انسان‌های سقوط کرده اشاره می‌کنه.

و مشکلی که نهایتاً بهش اشاره می‌کنه، مشکل عدالت خداست. و مشکل فقط اینه: خدا عادله، ولی ما عادل نیستیم. و همون‌طور که داوود این سؤال رو در دوران باستان بیان کرد: "خداوندا، اگر گناهان را منظور داری، کیست، ای خداوند، که بتواند در حضورت بایستد؟" حالا معلومه که این یک سؤال بدیهی هست و پاسخش اینه که هیچ‌کس نمی‌تونه در برابر بررسی عمیق الهی بایسته.

اگر خدا عصای سنجش عدالتش رو دراز کنه و با این معیار زندگی من و شما رو ارزیابی کنه، همه ما هلاک میشیم، چون ما عادل نیستیم. و اکثر ما فکر می‌کنیم راه حل این مشکل اینه که فقط سخت‌تر کار کنیم، با ضرورت بیشتری سعی کنیم که انسان‌های خوبی باشیم و بهترین کاری رو که می‌تونیم انجام بدیم، و وقتی نزد تخت داوری خدا میریم، این باید کافی باشه.

و این برای من یک توهم در فرهنگ عامه‌ی جامعه است که حتی در کلیسا هم نفوذ کرده؛ این که واقعاً مردم هنوز ایمان دارند که می‌تونند برای رسیدن به آسمان تلاش کنند یا لطف خدا رو به دست بیارند، هرچند که ما این هشدار واضح رو از کتاب مقدس داریم که با اعمال شریعت هیچ شخصی عادل شمرده نمیشه.

پس ما این مشکل رو داریم: خدا عادله، اما ما نیستیم. ما بدهکارانی هستیم که نمی‌تونیم قرضمون رو بپردازیم و می‌دونیم یکی از راه‌هایی که نمی‌تونیم این مسأله‌ی دشوار رو حل کنیم، با اعمال نیکوی ماست. خُب، اگر با اعمال شریعت هیچ‌کس عادل شمرده نمیشه، و خدا هم عدالتش رو به مذاکره نمی‌ذاره، پس چه‌طوری می‌تونیم این مسأله‌ی دشواری رو که باهاش مواجه میشیم، برطرف کنیم؟

به همین دلیل، انجیل، "خبر خوش" نامیده شده یا وقتی پولس آموزه‌ی عادل‌شمردگی رو در نامه‌اش به رومیان معرفی می‌کنه، می‌گه: "که در آن عدالت خدا مکشوف می‌شود، از ایمان تا ایمان، چنان که مکتوب است: « که عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» خُب، پس این سؤال رو می‌پرسیم: "عادل‌شمردگی چیه؟"

و عناصر ضروری اون چی هستند؟ "عادل‌شمردگی در نهایت، اعلان قانونی با صدای خداست. اعلان قانونی که در اون خدا اعلام می‌کنه که مردم عادل هستند. یعنی، عادل‌شمردگی فقط میتونه زمانی اتفاق بیفته که خدایی که خودش عادله، با اعلام حکم عدالت شخص در نظر او، عادل کننده بشه. حالا، البته که این مناظره‌ی شدیدتری رو در قرن ۱۶ ایجاد کرد.

سؤال اینه: آیا خدا منتظر میشه که مردم به هر طریقی پیش از این که اون‌ها رو عادل اعلام کنه، عادل بشن، یا درحالی که شخص هنوز گناهکاره، او رو در نظر خودش عادل اعلام می‌کنه؟ فرمول معروف لوتر که از قرن ۱۶ باقی مونده، فرمول "سیمیل یوستیس ات پکتور" هست.

یعنی، شخص عادل شمرده شده، هم‌زمان، عادل و گناهکاره. این که ما با فضیلت کار مسیح عادلیم، درحالی که در خودمون هنوز تقدیس نشدیم، هنوز کامل نشدیم، و هنوز گناه می‌کنیم. پس مشکلی که کلیسای کاتولیک روم با آموزه‌ی لوتر داشت، این بود که اون‌ها در این بیان عادل‌شمردگی، چیزی رو شنیدند که "تخیل قانونی" نامیدند.

اون‌ها این نکته رو بیان کردند: چه‌طور خدا میتونه کسی رو عادل اعلام کنه، وقتی در واقع اون‌ها هنوز گناهکارند؟ این میتونه یه تخیلی باشه، این شایسته‌ی خدا نیست، در این صورت خدا باید دروغگو باشه.

پس دیدگاه روم در مورد چیزی هست که عادل شمردگی مناظره‌ای نامیده میشه. "مناظره‌ای" که به اعلامیه‌ی قانونی اشاره می‌کنه که اون‌ها موافقند که عادل شمردگی زمانی اتفاق میفته که خدا کسی رو عادل اعلام می‌کنه.

اما از نظر روم، خدا کسی رو عادل اعلام نمی‌کنه، مگر این که اون شخص واقعاً عادل باشه. و هیچ تخیلی در موردش نمی‌تونه باشه. اما البته که پاسخ پروتستان به این موضوع اینه که وقتی خدا کسی رو عادل اعلام می‌کنه، هیچ چیز خیالی در این مورد نیست. این شخص در نظر خدا عادله، و او به خاطر عمل واقعی عیسی مسیح که به هیچ عنوان تخیلی نیست، عادله. حالا، ما می‌خوایم ببینیم که این چه‌طور در فرمول‌بندی الهیاتی ما عمل می‌کنه.

ما می‌گیم عادل شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمانه. حالا این کلمه، کلمه‌ی کوچک "به وسیله‌ی"، بخشی از مباحثه‌ی قرن ۱۶ بود. وقتی می‌گیم چیزی "به وسیله‌ی" این یا اون عمل اتفاق میفته، درباره‌ی طریق‌هایی صحبت می‌کنیم که باهاش چیزی ایجاد شده. برای کسانی که اهل دستور زبان هستند، ما این رو حالت مفعول با واسطه می‌نامیم، طریقی که باهاش چیزی اتفاق میفته.

پس یکی از مناظرات قرن ۱۶، سؤال درباره‌ی این بود که دلیل کارساز عادل شمردگی چیه؟ حالا، این بخشی از زبان طبیعی ما نیست. ما درباره‌ی دلایل کارساز صحبت نمی‌کنیم. در واقع، این نوع زبان به یونان باستان برمی‌گرده، به تمایزی که ارسطوی فیلسوف بین انواع دلایلی که در بین دلایل مادی، دلایل رسمی، دلایل نهایی، دلایل کافی و دلایل کارساز تشخیص داد.

و او از یک تصویر برای این استفاده می‌کنه، ساختن یک مجسمه توسط مجسمه ساز. و مجسمه ساز میتونه بره و تکه سنگش رو شکل بده و دلیل مادی برای مجسمه، موضوعی بود که باهاش کار هنری تولید شد، پس دلیل مادی، خودِ سنگ هست و غیره.

اما در این فرایند، ارسطو گفت دلیل کارساز یا طریقی که باهاش این مجسمه از یک بلوک خام سنگی به مجسمه‌ی باشکوه تبدیل شد، ابزار چکش و مُغار هست. پس این نوع زبان در قرن ۱۶ با این تمایز ظاهر شد که منظور از "به وسیله‌ی" یا "از طریق" ایمان چیه. و پاسخ کلیسای کاتولیک روم به این سؤال، این بود که علت کارساز عادل شمردگی، آیین تعمیده. تعمید از لحاظ آیینی، برای دریافت کننده، فیض عادل شمردگی رو اعطا می‌کنه که باهاش بر اساس کلیسا، عدالت مسیح بر جان شخصی که تعمید میگیره، جاری میشه و این عمل جاری شدن، القا نامیده میشه.

فرق بین القا و انتقال چیه؟ القا، ریختن فیض در جان هست، پس روم ایمان نداره که مردم بدون فیض عادل شمرده شدند، یا بدون ایمان عادل شمرده شدند؛ این که عادل شمردگی به این القای فیض بستگی داره که حالا باهاش این امکان هست که شخص عادل بشه.

حالا برای اینکه کسی عادل بشه، باید با این فیضی که در جانش ریخته شده، کاری بکنه. و روم این یک چیز رو به عنوان همکاری با اون و موافقت با اون تعریف می‌کنه، تا حد و اندازه‌ای که با کمک عدالت مسیح که در جان من ریخته شده، اگه باهاش همکاری کنم، و موافقتش باشم، می‌تونم واقعاً عادل بشم.

و تا زمانی که خودم رو از گناه مُهلک دور نگه دارم، در جایگاه فیض عادل شمرده شده می‌مونم و الی آخر. پس اولین ابزار برای روم که باهاش یک نفر عادل شمرده میشه، تعمیده. حالا، این عادل‌شمردگی رو میشه از دست داد. من به طور غیرمستقیم یک لحظه پیش درباره‌ی ارتکاب گناه مُهلک صحبت کردم. ما فرق بین گناهان مُهلک و قابل بخشش رو شنیدیم.

گناه فاحش‌تر، گناه کوچک‌تر. گناه مُهلک توسط کلیسا این‌طور نامیده شده، چون این یعنی گناه به اندازه‌ی کافی جدی هست که فیض عادل‌کننده رو که متعلق به جان هست، از بین ببره. و اگه یک نفر مرتکب گناه مُهلک بشه، فیض عادل‌شمردگی رو از دست میده، همه چیز از دست نمیره. شخص هنوز می‌تونه به جایگاه عادل‌شمردگی احیا بشه و دوباره، از لحاظ آیینی، این از طریق آیین توبه انجام میشه.

و کلیسای روم، آیین توبه رو به عنوان "پایه‌ی دوم عادل‌شمردگی برای کسانی که ایمانشون رو تباه کردند"، تعریف می‌کنه. پس مردم به این دلیل اعتراف می‌کنند، چون اعتراف بخشی از آیین توبه هست. و وقتی به اون جا میرید و به گناهانتون اعتراف می‌کنید، بخشش رو دریافت می‌کنید، بعد باید اعمال جبران رو انجام بدید که برای شما چیزی رو به دست میاره که کلیسا "لیاقت درخور" مینامه، که متمایز از "لیاقت عطا شده" هست.

این شایستگی ذاتی (منظور یک ذات، ذات عیسی) آن‌قدر پاک و عادل نیست که خدا رو ملزم کنه که بهش پاداش بده، بلکه به این دلیل "لیاقت درخور" نامیده شده، چون کسی که این اعمال جبران رو انجام میده، کار جبران رو انجام میده، کاری جدایی ناپذیر از آیین توبه، وقتی این کار رو می‌کنه، این برای خدا مناسب یا برآورنده میشه که شخص رو دوباره به جایگاه فیض احیا کنه.

پس واقعاً روم دو دلیل کارساز برای عادل‌شمردگی داره. نمونه‌ی اول تعمیده؛ نمونه‌ی دوم، آیین توبه. حالا، خلاف این، اصلاح‌گرایان پروتستان استدلال کردند که دلیل کارساز و تنها دلیل کارساز عادل‌شمردگی، ایمانه.

و به محض این که یک نفر با ایمان به مسیح می‌چسبه، شایستگی مسیح به او منتقل میشه یا از آن او محسوب میشه یا به حساب کسی گذاشته میشه که به مسیح ایمان میاره. حالا، اجازه بدید ببینم که می‌تونم تمایز دیگری رو به شما نشون بدم که بتونه این رو واجد شرایط کنه. من اول از همه، مفهوم القا با کلیسای کاتولیک روم رو ذکر کردم و القا از مفهوم محسوب کردن متمایز هست.

در واقع، اگه می‌تونستم کل این مسأله‌ی چالش قرن ۱۶ در مورد عادل‌شمردگی رو ساده کنم، همه‌ی این‌ها واقعاً به این دو کلمه ختم می‌شد: القا یا محسوب کردن. و سؤال این بود: زمینه یا پایه‌ای که خدا بر اساس اون کسی

رو در نظر خودش عادل اعلام می‌کنه، چیه؟ برای کلیسای کاتولیک روم، همون طور که گفتیم، خدا فقط زمانی می‌گه شخص عادل‌ه که به خاطر همکاریش با فیض القایی مسیح، عادل باشه.

برای پروتستان، زمینه‌ی عادل‌شمردگی منحصرأ نه بر اساس عدالت شخصی ما، بلکه بر اساس عدالت مسیح‌ه. و وقتی من درباره‌ی عدالت مسیح صحبت می‌کنم، درباره‌ی عدالت مسیح در ما صحبت نمی‌کنم، بلکه درباره‌ی عدالت مسیح برای ما صحبت می‌کنم.

عدالتی که مسیح در زندگیش از اطاعت کامل شریعت خدا به دست آورد. یعنی، عدالت او برایش برکت خدا رو حاصل کرد. اما خدا عدالتی رو که به او تعلق داشت، عدالتی که در زندگیش به دست آورد رو نه تنها برای مسیح، بلکه برای همه‌ی کسانی محسوب کرد که به او ایمان آوردند.

حالا، این بخشی از زمینه‌ی عادل‌شمردگی هست. بخش دیگه‌ی زمینه‌ی عادل‌شمردگی، رضایت کامل مسیح از مجازات منفی شریعت در مرگ فداکارانه‌اش بر روی صلیب‌ه. همون طور که بارها گفتیم، ما نه تنها با مرگ عیسی، بلکه با حیات عیسی نجات یافتیم.

و این جا اتفاقی که می‌فته، تبدیل مضاعفه. انتساب مضاعف. وقتی درباره‌ی انتساب صحبت می‌کنیم، درباره‌ی انتقال قانونی صحبت می‌کنیم. مسیح، بره‌ی خداست. وقتی او روی صلیب میره و غضب خدا رو روی صلیب متحمل میشه، او برای این تنبیه همیشه که خدا گناهی در او پیدا می‌کنه.

بلکه فقط بعد از این که داوطلبانه گناه ما رو بر خودش می‌گیره، حامل گناه میشه، بعد خدا گناهان ما رو منتقل می‌کنه یا محسوب می‌کنه یا به حساب عیسی می‌ذاره. این مفهوم انتساب هست. این یک انتقال قانونی هست که مسیح تقصیر ما رو از آن خودش می‌دونه. خدا تقصیر ما رو به او منتقل می‌کنه. این یک انتقال‌ه.

انتقال بعدی زمانی هست که خدا عدالت مسیح رو به ما منتقل می‌کنه. پس وقتی لوتر می‌گه عادل‌شمردگی فقط به وسیله‌ی ایمانه، این فقط یک خلاصه‌ی الهیاتی برای اینه که بگه عادل‌شمردگی فقط به وسیله‌ی مسیح‌ه، با چیزی که او انجام داد تا خواسته‌ی عدالت خدا رو اجرا کنه.

پس انتساب شامل عدالت یک نفر دیگه هست. القا شامل انتساب این عدالت‌ه که باید باهاش همکاری کنید، پس در واقع شما برای روم، به لحاظ درونی عادل میشید، چون حالا عدالت، درونی میشه یا در درون شماست. حالا، برای خلاصه کردن کل این مبحث می‌خوام نمودار کوچکی رو این جا روی تخته نشون بدم.

می‌دونم که ما به سرعت به جزئیات زیادی می‌پردازیم. برای همین زمان کاملی رو صرف نوشتن کتابی در این مورد کردم، پس اگه می‌خواید با جزئیات بیشتر بهش پردازید، این کتاب رو بگیرید. اما این جا دیدگاه کاتولیک

روم رو درباره‌ی عادل‌شمردگی داریم. و در این طرف، دیدگاه نهضت اصلاحات پروتستان رو درباره‌ی عادل‌شمردگی داریم.

پس ما تفاوت‌های خاصی رو می‌بینیم. اول از همه، بر اساس روم، دلیل کارساز آیین تعمید و توبه رو دیدیم. درحالی که در این طرف، دیدگاه اصلاحات پروتستان این بود که دلیل کارساز چیه؟ ایمان و فقط ایمان. دوماً، دیدیم که دیدگاه کاتولیک روم درباره‌ی عادل‌شمردگی، با تکیه بر مفهوم القاست و دیدگاه پروتستان بر اساس انتساب هست، نه القا.

سوماً، دیدگاه کاتولیک رومی، تحلیلی نامیده میشه (و من تا یک دقیقه دیگه توضیح میدم)، در حالی که دیدگاه نهضت اصلاحات، "ترکیبی" نامیده میشه. حالا از لحاظ تخصصی، وقتی درباره‌ی زبان صحبت می‌کنیم، فرق بین بیانیه‌ی ترکیبی و تحلیلی رو تشخیص میدیم. یک بیانیه‌ی تحلیلی، بیانیه‌ای هست که با استنتاج از چیزی هست. مثلاً "یک مثلث سه ضلع داره"، یا "مرد مجرد، مردی هست که ازدواج نکرده."

بیا این بیانیه رو در نظر بگیریم: "مرد مجرد، مردی هست که ازدواج نکرده." در این جا، وقتی می‌گید یک نفر مجرد، به اون‌ها گفتید که او مردی هست که ازدواج نکرده. گزاره‌ی "مرد ازدواج نکرده" هیچ خبری رو به اطلاعاتی که در فاعله اضافه نمی‌کنه، پس این بیانیه درسته، ما می‌تونستیم بگیم که این با استنتاج از چیزی، درسته. بر اساس تجزیه و تحلیل درسته. چیز جدیدی بهش اضافه نشده.

حالا اگه بگم: "مرد مجرد، مرد ثروتمندی هست"، حالا چیزی رو مورد تأکید قرار دادم، چیزی رو درباره‌ی مرد مجرد گفتم که ذاتاً در کلمه‌ی "مرد مجرد" نیست، چون همه‌ی مردان مجرد، چی نیستند؟ ثروتمند نیستند. خوب. پس این بیانیه‌ی ترکیبی میشه. حالا، این که این چه‌طور در عادل‌شمردگی به کار میره، خیلی ساده هست.

کلیسای کاتولیک روم میگه خدا هرگز کسی رو عادل اعلام نمی‌کنه، مگر این که با تجزیه و تحلیل عادل بشه. درحالی که برای پروتستان، ما از لحاظ ترکیبی عادلیم، چون چیزی به ما اضافه شده که عدالت عیاست. دوباره، نهایتاً این جا عدالت باید درونی بشه، درحالی که دیدگاه پروتستان، همون‌طور که لوتر گفت، عدالتی که ما باهاش عادل شمرده میشیم، یک عدالت بیگانه هست؛ عدالتی که اصلاً قابل قبول نیست.

این خارج از ماست. به بیان صحیح، مال ما نیست. این فقط زمانی به حساب ما گذاشته میشه که با ایمان به مسیح بچسبیم. این خبر خوش و فوق‌العاده‌ی انجیل هست که نباید منتظر بشیم تا در برزخ از همه‌ی ناپاکی‌هامون پاک بشیم؛ بلکه لحظه‌ای که به عیسی مسیح ایمان میاریم، همه‌ی هویت او و همه‌ی چیزهایی که او داره، مال ما میشه و ما بلافاصله به مشارکت مصالحه با خدا منتقل میشیم.